

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم (ع)
(نیردوتی، غیرانتفاعی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی کاشفیت علم از منظر حکمت متعالیه

استاد راهنما:

دکتر یار علی کرد فیروزجایی

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

عیسی مهدوی خو

دی ۱۳۹۰

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام
دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی کاشفیت علم از منظر حکمت متعالیه

استاد راهنما:

دکتر یار علی کرد فیروزجایی

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

عیسی مهدوی خو

دی ۱۳۹۰

صور تجلسه دفاعيه

تقدیم به:

پویندگان راه حقیقت

شہیدان راه حق

پاسداران دین

فدائیان ولایت

و...

تقدیر:

بدین وسیله از کلیه کسانی که از نظر فکری و عملی این
حقیر را در تهیه و ساماندهی این تحقیق، یاری کردند
خصوصاً اساتید گرانقدر راهنما و مشاور، آقایان دکتر
فیروز جایی و دکتر عبدی و همچنین مادر و همسر
گرامی ام... کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

اجرهم عندالله

چکیده

کلمات کلیدی: علم، کاشفیت، حکایت، واقع، تطابق

مسأله شناخت و ارزیابی اعتبار آن، یکی از مباحث اساسی معرفت‌شناسی است و سرآغاز همه علوم می‌باشد. شناخت هستی و احوالات آن، فرع بر اعتقاد به امکان شناخت و صحت عملکرد ذهن و واقع‌نمایی یافته‌های آن می‌باشد. در مکتب حکمت متعالیه، علم عبارت است از مطلق ادراک، چه ادراک تصویری و چه ادراک تصدیقی، چه یقینی چه غیر یقینی. فلاسفه اسلامی معتقدند که وقتی انسان به اشیای خارجی علم پیدا می‌کند، ماهیتی عین همان ماهیت خارجی در ذهن موجود می‌شود و فرق این دو ماهیت به این است که یکی به وجود ذهنی موجود شده است و دیگری به وجود خارجی موجود بوده است. وجود صورتهای اشیاء خارجی در ذهن را «وجود ذهنی» اشیاء می‌گویند.

فلاسفه حکمت متعالیه نیز درباره حقیقت علم و آگاهی نسبت به اشیاء خارجی، به بحث و گفتگو پرداخته‌اند. عده‌ای گفته‌اند که نسبت علم به موجودات عینی، همان حصول ماهیت شیء خارجی در ذهن است؛ صورت ذهنی ما، ظهور ماهیت و ذات شیء خارجی است. البته در مقابل این دیدگاه، اقوال دیگری مثل قول به شیخ و اضافه نیز وجود دارد.

ملاصدرا به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت قائل است و طبق این دیدگاه، حقیقت انطباق به این همانی و وحدت تشکیکی عینی وجود برتر ماهیت و وجود خاص آن بازمی‌گردد. در اصطلاح، سلسله تشکیکی وجود، هر مرتبه کامل‌تری بر مرتبه ناقص‌تر، منطبق است؛ یعنی نحوه وجود کامل است که انطباق بر ناقص را ایجاب می‌کند. این انطباق و این همانی عینی، در ذهن، به صورت وحدت و این همانی ماهوی مراتب مذکور منعکس می‌شود؛ به این نحو که هر مرتبه کامل‌تری، هم وجود خارجی برتر ماهیات مراتب ناقص‌تر است و هم در مقایسه با وجود خارجی خاص محقق یا متصور این ماهیات، وجود ذهنی آنهاست.

به نظر حکمای اسلامی مسئله حکایتگری و انکشاف علم نسبت به معلوم و تطابق میان آندو متکی بر اتحاد ذاتی و ماهوی است؛ زیرا بی‌شک وجود خارجی با وجود ذهنی مغایرت دارد و هیچ کس نمی‌گوید در هنگام علم موجود خارجی به ذهن منتقل و نزد او حاضر می‌گردد. بلکه بی‌گمان وجودی دیگر و مستقل است. حکمای اسلامی از طریق اتحاد ماهوی میان وجود ذهنی و وجود خارجی فاصله میان ذهن و خارج را برداشته و کاشفیت و حکایتگری و انطباق را حل کرده‌اند.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق

کلیات تحقیق	۲
۱- بیان مسأله:	۲
۲- اهمیت و فایده موضوع:	۳
۳- سابقه تحقیق:	۳
۴- اهداف تحقیق:	۳
۵- سوالات تحقیق	۴
۵-۱. سوال اصلی:	۴
۵-۲. سؤالهای فرعی:	۴
۶- فرضیه‌های تحقیق:	۴
۷- پیش فرضهای تحقیق:	۴
۸- روش انجام تحقیق:	۵
۹- سازمان دهی تحقیق:	۵
مفاهیم	۶
حکمت متعالیه	۶
ملاصدرا	۷

آثار ملاصدرا	۸
علم و ادراک	۹
کاشفیت علم	۱۱

فصل دوم: علم و کاشفیت

۱- مفهوم علم	۱۴
۱-۱ مفهوم علم قبل از صدرا	۱۴
ابن سینا	۱۴
غزالی	۱۵
فخر رازی	۱۵
شیخ اشراق	۱۷
محقق طوسی	۱۷
۲-۱ مفهوم علم در نگاه ملاصدرا	۱۸
۳-۱ مفهوم علم در نگاه شارحان حکمت متعالیه	۱۹
ملاهادی سبزواری	۱۹
علامه طباطبایی	۲۰
شهید مطهری	۲۰
استاد مصباح یزدی	۲۱
۲- اقسام علم	۲۲
۱-۲ علم حضوری	۲۲
۲-۲ علم حصولی	۲۳
۳-۲ مصادیق علم حضوری	۲۴
۴-۲ اقسام علم حصولی	۲۵
۵-۲ بازگشت علم حصولی به علم حضوری	۲۷

۲۸.....	۳- ویژگیهای علم (صور ذهنی)
۲۸.....	۳-۱. وجودی بودن
۲۹.....	۳-۲. تجرد
۳۰.....	۳-۳. کاشفیت
۳۱.....	۴- مطابقت (کاشفیت)
۳۱.....	۴-۱. ارزش شناخت
۳۴.....	۴-۲. مفهوم صدق و حقیقت
۳۵.....	۴-۳. ارکان مطابقت

فصل سوم: کاشفیت علم نسبت به موجودات عینی

۴۰.....	الف- کاشفیت در علوم تصویری
۴۰.....	تعریف وجود ذهنی
۴۲.....	اقوال در رابطه صور ذهنی با عالم خارج
۴۹.....	دلایل وجود ذهنی:
۴۹.....	دلایل صدر المتالهین:
۵۴.....	دلیل ملاصدرا بر اثبات عینیت ماهوی
۵۶.....	اشکالات وجود ذهنی و پاسخ آنها:
۵۹.....	تأملی در پاسخ ملاصدرا به اشکال تجمع چند عنوان متضاد بر یک چیز
۶۰.....	کاشفیت تصورات کلی
۶۰.....	رابطه مفاهیم کلی (ماهوی- منطقی- فلسفی) با خارج
۶۱.....	کاشفیت مفاهیم ماهوی
۶۲.....	کاشفیت مفاهیم فلسفی
۶۶.....	کاشفیت مفاهیم منطقی
۷۰.....	نقش اصالت وجود یا ماهیت در مفاهیم کلی

۷۲.....	کاشفیت وجود ذهنی از موجودات خارجی
۷۶.....	ب- کاشفیت در علوم تصدیقی
۷۷.....	قضیه
۷۸.....	اجزای قضیه
۸۰.....	حکم و تصدیق
۸۴.....	ویژگیهای حکم:
۸۷.....	صدق و کذب
۸۸.....	کاشفیت در علوم تصدیقی
۸۹.....	قضایای بدیهی و نظری
۹۰.....	بازگشت نظری به بدیهی
۹۰.....	مطابقت انواع قضایا
۹۵.....	خاتمه و جمع بندی
۱۰۲.....	نتیجه گیری
۱۰۶.....	فهرست منابع

فصل اول:
کلیات و مفاهیم تحقیق

کلیات تحقیق

۱- بیان مسأله:

مسأله شناخت و ارزیابی اعتبار آن، یکی از مباحث اساسی معرفت‌شناسی است و سرآغاز همه علوم می‌باشد. شناخت هستی و احوالات آن، فرع بر اعتقاد به امکان شناخت و صحت عملکرد ذهن و واقع‌نمایی یافته‌های آن می‌باشد. برخی مسائل مربوط به امکان شناخت در فلسفه اسلامی به شکل عمده تحت عنوان "وجود ذهنی" بررسی شده است. البته شناخت هستی از راه شهود و علم حضوری - که بی‌نیاز از ذهن و صورتهای ذهنی است - نیز امکان دارد. فلاسفه حکمت متعالیه نیز در این باره به بحث پرداخته‌اند. به عقیده حکیمان مسلمان، حقیقت علم و آگاهی (نسبت به اشیاء خارجی) حصول ماهیت شیء خارجی در ذهن است؛ صورت ذهنی ما، ظهور ماهیت و ذات شیء خارجی است. البته در مقابل دیدگاه حکمت متعالیه، اقوال دیگری مثل قول به شبیح و اضافه نیز وجود دارد.

در مبحث ادراک گفته می‌شود که علم دارای خاصیت کاشفیت است بلکه علم عین کشف از واقع است. اصولاً در مفهوم شناخت، تطابق ماهوی میان ذهن و خارج اخذ شده است.^۱

۱- البته منظور این نیست که علم حضوری، شناخت نیست.

در پژوهش حاضر سعی بر این است که ضمن بیان مقدمات لازم، نحوه ارتباط علم با عالم خارج بررسی شده و ضمن بیان اقوال مختلف، نقد و ارزیابی آنها، نظر پیروان حکمت متعالیه نیز تشریح و بررسی گردد تا مقصود آنها و لوازم نظریه آنان در باب کاشفیت وجود ذهنی روشن گردد.

۲- اهمیت و فایده موضوع:

یکی از راههای شناخت انسان نسبت به خارج از طریق مفاهیم ذهنی است. صحت عملکرد ذهن و قدرت آن و نحوه ادراک ذهن و کیفیت تطابق علم و عین از مسائل اصلی و مهم در بحث معرفت‌شناسی است که اقوال مختلفی در میان فلاسفه نسبت به آن وجود دارد. آگاهی از نظر فیلسوفان اسلامی خصوصاً پیروان حکمت متعالیه به عنوان آخرین دست آورد فلسفه اسلامی در این زمینه راهگشای مباحث مهمی در مبحث معرفت‌شناسی خواهد بود.

۳- سابقه تحقیق:

در بین فلاسفه اسلامی، مبحث ادراک در موارد متعددی نظیر بحث مقولات، نفس، عقل، عاقل، وجود ذهنی، ماهیت و... مطرح شده است اما از آن جا که در مورد کیفیت حصول وجود ذهنی و آثار واقعی آن (نسبت به خارج) قائل به این مطلب بوده‌اند که ارزش وجودات ذهنی به تطابق و واقع‌نمایی آنها است و فرض بدیهی می‌دانسته‌اند بنابراین به صورت مفصل و متمرکز در این زمینه به بحث و تبیین مطلب نپرداخته‌اند. البته در سالهای اخیر کتابهای مفصلی نظیر «مطابقت صور ذهنی با خارج» به قلم آقای عباس عارفی یا «نظام معرفت‌شناسی صدرایی» توسط آقایان عبدالحسین خسروپناه و پناهی آزاد به نگارش درآمده است.

۴- اهداف تحقیق:

هدف این تحقیق، توضیح و بررسی ارکان بحث علم و کیفیت تطابق آن با خارج با تأکید بر دیدگاه حکمت متعالیه است که به صورت فصلهای جداگانه همراه با ارایه اقوال ذکر خواهد شد. شناخت و آشنایی با دیدگاه پیروان حکمت متعالیه به عنوان آخرین دستاورد فلسفه اسلامی می‌تواند راهگشای مهمی در مباحث معرفت‌شناسی، به ویژه مباحث بنیادین علم و

ادراک باشد. هر نوع تفاوت در مبنای معرفت‌شناسی باعث ایجاد تفاوت‌های عمیق و گسترده در عرصه علم و ادراک خواهد شد.

۵- سوالات تحقیق

۱-۵. سوال اصلی:

مسئله اصلی در تحقیق این است که از منظر حکمت متعالیه، کاشفیت علم نسبت به خارج به چه معناست و چگونه اثبات می‌شود؟

۲-۵. سؤال‌های فرعی:

سؤالات فرعی این تحقیق عبارت است از:

- رابطه کاشفیت و حکایت‌گری چیست؟

- نسبت بین کاشفیت و مطابقت چگونه است؟

- اقوال پیروان حکمت متعالیه در خصوص علم و رابطه آن با خارج چیست؟

- مدعای حکمت متعالیه در رابطه با بحث "علم و عین" چیست؟

- شبهات واقع‌نمایی علم کدام است؟

- تقسیم وجود به خارجی و ذهنی بر چه اساسی است؟

- تفاوت قول به شبح و اضافه در چیست؟

- ملاک صدق در علوم به چه معناست؟

- لازمه قول به حکایت‌گری چیست؟

۶- فرضیه‌های تحقیق:

پیروان حکمت متعالیه قائل به توانایی انسان بر ادراک و تطابق مفاهیم ذهنی با خارج به نحو کاشفیت و بیرون‌نمایی هستند.

۷- پیش‌فرض‌های تحقیق:

پیش‌فرض‌های این تحقیق چنین است:

الف- در عالم حقایقی وجود دارد.

ب- انسان توانایی ادراک حقایق خارجی و عالم خارج را دارد و این ادراک دارای

آثار واقعی است.

ج - علم به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌شود و در علم حصولی، ادراک از راه صورت ذهنی انجام می‌شود.

۸- روش انجام تحقیق:

روش گردآوری در تحقیق حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، فیش‌نویسی و استفاده از مطالب مربوطه است. در این تحقیق بر اساس توصیف و تجزیه و تحلیل مطالب به جمع‌بندی خواهیم پرداخت.

۹- سازمان دهی تحقیق:

در این تحقیق ضمن بیان مقدمات، در قالب فصل اول به کلیات و مفاهیم لازم پرداخته، مباحث علم و کاشفیت را در فصل دوم بررسی خواهیم کرد. در ادامه ضمن بررسی کاشفیت علم نسبت به موجودات عینی در فصل سوم، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظریات پیروان حکمت متعالیه در فصل چهارم خواهیم پرداخت.

مفاهیم

آشنایی با ارکان و مباحث کلی هر موضوع در تحقیق، جهت ورود صحیح به تحقیق مورد نظر لازم و بلکه ضروری است. در این فصل با توجه به مباحث اصلی و کلی به معرفی اجمالی و توضیح کلیات تحقیق می‌پردازیم؛ مباحثی همچون آشنایی با حکمت متعالیه، علم و ادراک و کاشفیت.

حکمت متعالیه

حکمت متعالیه، ادامه سیر تکاملی فلسفه اسلامی و به یک معنا نقطه اوج آن است؛ زیرا با مطالعه فلسفه مشاء، اشراق، عرفان نظری و جهان‌بینی کلامی قبل از ملاصدرا و فهم صحیح فلسفه ملاصدرا، سیر تکاملی فلسفه اسلامی به گونه‌ای قابل درک و فهم است؛ یعنی اگر کسی با جهان‌بینی فلسفی مشاء، اشراق از یک طرف و جهان‌بینی عرفانی از طرف دیگر و نیز با جهان‌بینی کلامی آشنا باشد و مبانی و مدعیات آنها را به خوبی بداند و پس از آن به فلسفه ملاصدرا واقف شود و درک درستی از آن پیدا کند، سیر تکاملی فلسفه اسلامی را در درجه اول، و تعالی حکمت ملاصدرا را در ادامه همه مشرب‌ها مشاهده خواهد کرد.

روش حکمت متعالیه هم چون فلسفه اشراق، استدلالی و شهودی است و نیز همانند کلام، خود را به قرآن و سنت عرضه می‌کند. در واقع، قرآن و عرفان و برهان، منبع و چراغ راه حکیم در حکمت متعالیه است و حکمت متعالیه، نقطه تلاقی چهار نوع جهان‌بینی یا نگرش خاص به هستی و مراتب آن است، و نقطه تلاقی مشاء، اشراق، عرفان و کلام است و این تلاقی

به صورت التقاط نیست،^۲ بلکه استفاده از نقاط قوت در روش و محتوای همه این مکاتب و کنار زدن نقاط ضعف همه و اضافه کردن اصول محکم به آنها و ارائه نظام و جهان بینی منسجم است که در مرتبه تکاملی همه آنها قرار دارد، گرچه این سیر تکامل بعد از ملاصدرا نیز کما بیش ادامه داشته است و ظهور و بروز آن در فلسفه نوصدرایی^۳ مشهود است.

حکمت متعالیه، حاوی بسیاری از اصول و روشهای فلسفی سابق بر ملاصدرا است^۴ (هم در روش و هم در محتوا، تعالی و تکامل) و نقطه تلاقی همه آنها به شمار می آید. حال با توجه به این نگاه کوتاه می توان جایگاه حکمت متعالیه را در جغرافیای مباحث عقلی و نقلی و عرفان اسلامی مشاهده کرد و سیر و تکامل حکمت و فلسفه اسلامی را به وضوح به نظاره نشست.

ملاصدرا

ملاصدرا، به عنوان مؤسس حکمت متعالیه، حدود سال ۹۷۹ق/۱۵۷۱م در شیراز به دنیا آمد. پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در شیراز، شیفته علوم عقلی، به ویژه فلسفه گردید و ناگزیر شیراز را ترک گفت و رهسپار اصفهان گردید. در اصفهان، نخست نزد شیخ بهاءالدین عاملی علوم نقلی را فرا گرفت و آن گاه به حوزه درس میرداماد که برجسته ترین استاد در علوم عقلی بود در آمد. پس از چند سال در تمامی علوم رسمی، خود به مقام استادی رسید و به خصوص در حکمت از استادانش پیشی گرفت.^۵

ملاصدرا که به صرف تحصیل دانش رسمی، دلخوش نبود، از زندگی دنیوی کناره گرفت و در روستایی به نام کهک نزدیک قم عزلت گزید و مدت پانزده سال به ریاضت و تهذیب نفس پرداخت تا این که به گفته خویش در مقدمه اسفار، به شهود عالم معقول نائل

۲- محمد غفوری نژاد و احمد فرامرز قراملکی، روش شناسی ملاصدرا در مسئله علم باری تعالی، خردنامه صدرا، تهران، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵۳.

۳- علی اصغر حقدار، فلسفه نوصدرایی، مجله اندیشه حوزه، تابستان ۱۳۷۶، شماره ۹، ص ۱۱۷.

۴- صدرالدین محمد شیرازی، مجموعه رسائل فلسفی صدر المتالین، تحقیق حامد ناجی اصفهانی، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳.

۵- سید محمد خامنه ای، ملاصدرا، زندگی، شخصیت و مکتب، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷ به بعد؛ م. م. شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۸۵؛ عبدالله نعمه، فلاسفه الشیعه، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۹۸۷، م، ص ۳۸۶ به بعد.

آمد. اینک آنچه را قبلاً از راه کتاب به طور نظری و فکری آموخته بود، از طریق اشراق می-دید.

زندگی ملاصدرا به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. دوره کودکی و تحصیل در شیراز و اصفهان؛

۲. دوره ریاضت در نزدیکی قم (روستای کهک)؛

۳. دوره تألیف و تدریس که نتایج عمر وی پدید آمد.

در واقع با توجه به سه دوره زندگی او می‌توان گفت که او یک سفر فلسفی، عرفانی و عرفان علمی و نظری را در تمام زندگی خود طی کرده است.

آثار ملاصدرا

آثار ملاصدرا که اکثر آنها در آخرین دوره زندگی اش نوشته شده، همگی بدون استثناء از ارزشی بسیار برخوردارند و از زمره آن دسته از منابع اساسی به شمار می‌روند که حکما، عرفا و متکلمان نسلهای بعد از آن الهام گرفته‌اند. همه نوشته‌های او یا درباره علوم شرعی است یا در باب فلسفه و حکمت. نثر ملاصدرا بسیار روشن و فصیح است و همین امر باعث شده است که فهم آثار او در مقایسه با آثار پیشینیانش، از قبیل میرداماد برای خواننده سهل تر باشد. آثار ملاصدرا را می‌توان در عناوین ذیل مشاهده کرد:

آثار مربوط به مابعدالطبیعه و علوم عقلی مثل: الحکمة المتعالیه فی الأسفار الاربعه العقلیه، المبدأ و المعاد، الشواهد الربوبیه، الحکمة العرشیه، حاشیه بر شرح حکمة الشراق و شرح الهدایة الأثریه.

آثار مربوط به علوم نقلی (دینی) مثل: مفاتیح الغیب، اسرار الآیات، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، حاشیه بر شرح لمعه، شرح اصول الکافی و متشابه القرآن.

برای ملاصدرا علاوه بر کشف و شهود و اشراقات خاصی که از آنها برخوردار بود و در آثار خود منعکس کرده است، پنج منبع دیگر می‌توان ذکر کرد:

۱. فلسفه ارسطو و پیروانش؛

۶- ملاصدرا، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ م، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱.

۲. تعالیم حکمای نوافلاطونی مخصوصاً افلوپین که کتاب اثولوجیای او را به ارسطو نسبت می‌دادند؛

۳. تعالیم ابن‌سینا و پاره‌ای از نظریات شیخ اشراق؛

۴. دیدگاه‌های عرفانی محی‌الدین ابن‌عربی؛

۵. اصول و حیانی، به خصوص آن دسته از تعالیم پیامبر (ص) و ائمه شیعه (س) که بیشتر جنبه باطنی داشتند.^۷

حکمت متعالیه چهار راهی است که فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، کلام و عرفان اسلامی در آن جا به هم رسیده‌اند؛ یعنی ملاصدرا نقاط قوت همه آنها را در کنار یکدیگر و در پرتو کتاب و سنت قرار داد و با ابتکار خود فلسفه‌ای نوین بنیان نهاد که تاکنون همه رهروان فلسفه اسلامی را شیفته خود کرده است. ولی این به معنای رکود و جمود بر آن نیست بلکه باید با نقد و کاوش فراوان به مراحل عالی تر صعود کرد.

علم و ادراک

علم^۸ به معنای مطلق دانش و آگاهی است. در مکتب حکمت متعالیه، علم عبارت است از مطلق ادراک، چه ادراک تصویری و چه ادراک تصدیقی، چه یقینی چه غیر یقینی. به تعقل یا حصول صورت شیء در ذهن، یا به ادراک کلی، چه مفهومی و چه حکمی، یا به اعتقاد جازم مطابق واقع، یا به ادراک شیء چنان که هست، یا به ادراک حقایق اشیاء و علل آنها، یا به ادراک مسائل از روی دلیل، یا به ملکه حاصل از ادراک این مسائل، علم اطلاق می‌شود. در حکمت متعالیه در باب معنای علم، ادراک، انواع و ابزار آن، انواع حس و عقل و این که علم حقیقی کدام است و نیز در مورد این که همه علمها به علم حضوری نفس به خود و حالات، قوا و افعال خود برمی‌گردد، مطالب مفید و متنوعی را ارائه شده است.^۹

۷- حسن معلمی، حکمت متعالیه، مرکز نشر هاجر، قم، ۱۳۸۷، ص ۳۴.

۸- Science به معنای علم تجربی به کار می‌رود ولی معنای مورد نظر ما در اینجا معادل knowledge است.

۹- ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ م، ج ۳، ص ۲۷۸-۳۶۰؛ اسفار، ج ۸، ص ۲۰۰؛ المظاهر الالهیة، ص ۲۶؛ المبدء و المعاد، ص ۲۳۵-۲۴۲؛ مفاتیح الغیب، ص ۱۰۸-۱۴۰-۵۰۴؛ تفسیر القرآن الکبیر، ج ۷، ص ۳۲۷، و ج ۶، ص ۲۸۲؛ ایقاظ النائمین، ص ۴؛ الواردات القلیبة، ص ۸۱. جمیل صلیبا، فرهنگ فلسفی، منوچهر صانعی دره

بیدی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۷۸.